

## جایگاه عالمان شیعه در دایره المعارف قرآن الیورلیمن\*

محمد حسن زمانی\*\* و رفیع میرزا محمد\*\*\*

### چکیده

دایره‌المعارف نویسی قرآن سابقه دیرینه دارد و دانشنامه قرآن الیورلیمن «قرآن: یک دایره‌المعارف» (The Quran: An Encyclopedia) دومین دایره‌المعارف نگاشته شده توسط مستشرقان پیرامون قرآن کریم است که با سرویراستاری پروفسور لیمن (Oliver Leaman) در سال ۲۰۰۵ م در آمریکا نوشته و در یک جلد به چاپ رسید. این دایره‌المعارف اگرچه از آن جهت که تلاشی جدید برای ارائه مفاهیم قرآنی به مخاطب ناآشنا با کتاب و حیانی مسلمانان است، تقدیر کردنی است؛ اما از جهات مختلفی مانند: دخالت دادن ذهنیت و پیش فرض‌های رایج در اذهان مستشرقان، و اشتباهات فاحش دیگر دچار کاستی‌هایی است. دایره‌المعارف الیور لیمن تنها دو عالم شیعه (شیخ مفید و آیت الله خویی) را در مدخل‌های خود جا داده است؛ اما علت انتخاب این دو شخصیت را روشن نکرده است. این پژوهش که به صورت توصیفی - تحلیلی تهیه گردیده و نقش این دو عالم شیعه را در گسترش علوم در این دایره‌المعارف بررسی نموده و کمبودهایی که در این زمینه جبران و کامل کرده است.

واژگان کلیدی: قرآن، دایره‌المعارف، الیورلیمن، شیعه، شیخ مفید، آیت الله خویی.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵.

\*\* عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ العالمیة: mhzamani@yahoo.com  
\*\*\* دانش‌آموخته دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفیٰ العالمیة: info@quransc.com

## درآمد

دانشنامه قرآن الیورلیمن «قرآن: یک دایرةالمعارف» دومین دایرةالمعارف نگاشته شده توسط مستشرقان پیرامون قرآن کریم است. سروراستار آن پروفیسور الیورلیمن ( Oliver Leaman) (ز ۱۹۵۰م) استاد مطالعات فلسفی در دانشگاه کنتاکی (آمریکا) است. هیئت تحریریه و نویسندگان این دایرةالمعارف که در سال ۲۰۰۵ م در آمریکا نوشته شد چهل و سه نفر از اساتید دانشگاه های ۱۴ کشور جهان (آفریقای جنوبی، آلمان، آمریکا، انگلیس، استرالیا، ایتالیا، بلژیک، بنگلادیش، بوسنی و هرزگوین، ترکیه، زیلاندنو، عربستان سعودی، کانادا، لاتیوا) هستند. با توجه به اینکه بسیاری از موضوعات قرآنی در این دایرةالمعارف نیامده است، اطلاق دایرةالمعارف بر چنین کتابی با تسامح همراه است؛ به خصوص آنگاه که در مورد قرآن کریم باشد.

در این دایرةالمعارف دو مدخل به عالمان شیعه و نقش آنها در علوم مختلف اختصاص یافته که یک مدخل با عنوان، «الخویی»، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، و مدخل دیگر «شیخ مفید»، هر دو به قلم «اولیورلیمن» آمده است. این پژوهش به بررسی و تحلیل این دو مدخل پرداخته و نواقص آن را با توجه به منابع دیگر برطرف نموده است.

### الف. شیخ مفید، در دائرة المعارف اولیور لیمن

«اولیورلیمن» در این مدخل ابتدا به معرفی اجمالی شیخ مفید پرداخته و می گوید:

«ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان حریشی بغدادی عکبری (۴۱۳-۳۳۸ق / ۱۰۲۲ - ۹۴۹ م)، معروف به شیخ مفید در روستایی متولد شد و در آنجا زندگی می کرد و تا آنکه پدرش او را برای ادامه تحصیل به بغداد برد. در آنجا بیشتر با علمای شیعه و معتزله کار می کرد. او چنان استعدادی از خود بروز داد که یکی از استادانش به او توصیه کرد که برای تحصیل نزد علی بن عیسی رمانی، از علمای برجسته زمان، برود. به علاوه در محضر شیخ صدوق، محدث برجسته شیعه، نیز تلمذ نمود.»

آل بویه که در این ایام در قدرت بودند، در مقایسه با حاکمان قبل و بعد از خود، نسبت به شیعه تسامح بیشتری داشتند و بنابراین برای کسی که وابستگی شیعی داشت، این دوران زمان خوبی برای کار کردن در بغداد بود. او عنوان «شیخ مفید» را به علت مهارت در استدلال به خصوص در مورد تمایزات ظریفی که توانست وارد مناظرات کلامی نماید، کسب نمود.

مفید سه شاگرد داشت که مقدر بود به مناصب مهمی در شیعی برسند: شریف رضی، سید مرتضی و محمد بن حسن بن طوسی که بعدها به «شیخ الطایفه» مشهور شد. شیخ مفید کتاب‌های زیادی در مقولات مختلف نوشت و در سال ۴۱۳ ق/ ۱۰۲۲ م در گذشت. شریف مرتضی امامت نماز میت را بر عهده داشت و مرثیه‌ای خواند و در خانه‌اش دفن شد. بعدها پیکر او از این محل منتقل و در جوار حرم «کاظمین» در بغداد مدفون گردید. آثار شیخ مفید بیشتر به حوزه کلام محدود می‌شود؛ اما از اهمیت زیادی بر خوردار است، زیرا اندیشه شیعی را به سطح مفهومی جدیدی ارتقا داد؛ در نتیجه تلاش‌های او، این مکتب بسیار نظاممند و دارای سازمان منطقی گردید. کتاب «الارشاد» مفید دارای اهمیت خاصی است و به دوازده امام شیعه می‌پردازد. این کتاب اوضاع و احوال امامت هر امام، معجزات هر یک که شاهد امامت اوست، فضایل هر یک، و اوضاع و نحوه در گذشت هر امام و نیز غیبت آخرین امام را شرح می‌دهد. همچنین موضوع «نصب» هر امام را مطرح می‌سازد.

همان طور که انتظار می‌رود، شیخ مفید توجه خود را بر علی بن ابی طالب (علیه السلام) و به خصوص بر جایگاه او در ایام حیات پیامبر متمرکز می‌سازد. علی (علیه السلام) را شخصیتی برخوردار از فضایل برجسته و مناسب‌ترین فرد برای جانشینی پیامبر توصیف می‌کند؛ و احادیثی را که در آنها اعلام این مطلب از جانب پیامبر، روایت شده؛ به خصوص حدیث غدیر خم را مورد تاکید قرار می‌دهد. مفید بعضی نوشته‌های علی (علیه السلام) سکوت او را در خلال خلافت سه خلیفه اول و حوادث سیاسی آن ایام را به اختصار بیان می‌نماید. اوضاع و احوال شهادت علی (علیه السلام) به دست ابن ملجم به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

نکته جالب و تاثیرگذار در متن، سازماندهی روشن اسناد مربوط به اعمال معجزه‌آسای هر امام و چگونگی گواهی این اعمال بر خود امامت است که به وضوح جنبه مهمی از اسلام امامیه تلقی می‌شود. بدین طریق، آثار مفید دستور کار بخش عمده مباحثات بی‌وقفه درباره این موضوع را در دنیای روشنفکری شیعه فراهم آورد» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۳۰۷).

### بررسی و تحلیل

نویسنده: «عبد الله محمد بن محمد بن نعمان حریشی بغدادی عکبری (۳۳۸-۴۱۳ ق/ ۱۰۲۲-۹۴۹ م)، معروف به شیخ مفید در روستایی متولد شد» (عقیقی بخشایشی، فقهای نامدار شیعه، ۱۳۷۲: ۱۷۸) الیورلیمن سال ولادت ایشان را ۳۳۸ ق بیان می‌کند، در حالی که تاریخ ولادت این عالم بزرگ شیعه ۱۱ ذیقعد ۳۳۶ ق است (همان).

نویسنده: «پدرش او را برای ادامه تحصیل به بغداد برد.» اشاره‌ای به پدر ایشان نکرده است که پدر ایشان شخصی پارسا و مذهبی بود و به تعلیم و تربیت اشتغال داشت، از این رو یکی از القاب مفید «ابن معلم» است که به خاطر دانش پدرش بود.

نویسنده: «او چنان استعدادی از خود بروز داد که یکی از استادانش به او توصیه کرد که برای تحصیل نزد علی بن عیسی رمانی، از علمای برجسته زمان، برود. به علاوه در محضر شیخ صدوق، محدث برجسته شیعه، نیز تلمذ نمود» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۳۰۷). نویسنده از اساتید شیخ مفید فقط نام دو اساتید را برده است، در حالی که شیخ مفید از محضر بیش از هفتاد نفر از بزرگان بهره علمی برد. از محضر مظفر بن محمد، ابویاسر و ابن جنید اسکافی، «کلام و عقاید» را آموخت؛ و از درس حسین بن علی بصری و علی بن عیسی رمانی بهره جست؛ «فقه» را نزد جعفر بن محمد بن قولویه فرا گرفت؛ و از محضر ادیب و مورخ چیره دست محمد بن عمران مرزبانی «علم روایت» آموخت؛ و ابن حمزه طبری، ابن داود قمی، صفوان و شیخ صدوق از دیگر اساتید او بودند. جدیت او در تحصیل موجب شد که پس از چندی در علم کلام، فقه و اصول سرآمد دانشمندان زمانش گردد (سال روز رحلت عالم بزرگ شیعی شیخ مفید رحمه الله، سایت حوزه تاریخ انتشار: ۷/۹/۱۳۸۶).

نویسنده: «او عنوان «شیخ مفید» را به علت مهارت در استدلال به خصوص در مورد تمایزات ظریفی که توانست وارد مناظرات کلامی نماید، کسب نمود» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۳۰۷) نویسنده مدخل علت معروف شدن شیخ، به شیخ مفید را مهارت‌های ایشان در استدلال می‌داند و اشاره‌ای به صادر کننده این لقب نکرده است. بهتر بود برای خواننده روشن می‌شد که دفتر زندگی شیخ مفید، صحیفه نورانی بود که دستخط مبارک سلاله یاسین، حضرت بقیة الله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - در آن به چشم خورده است. و بنابر نقل‌های معتبر در اواخر ماه صفر ۴۱۶ ق نامه‌ای از طرف حضرت برای شیخ فرستاده شد، بوسه سپاس و اشک شوق او بر نامه آمد و چون آن را گشود، دست خط زیبایی رخ نمود: برادر گرامی استوار و دوست راه یافته، شیخ مفید.

و در توقیعی دیگر و لطفی افزون‌تر، در پنج شنبه ۲۲ ذی‌الحجه نامه‌ای دیگر از طرف حضرت به افتخار شیخ مفید صادر شد. برخی بر این باورند که در طول ۳۰ سال، ۳۰ توقیع و نامه شریف از ناحیه مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام برای شیخ مفید صادر شده که در عنوان بسیاری این جمله نورانی دیده می‌شود: برادر گرامی و استوار، شیخ مفید.

نویسنده مدخل، توجهی به مقام علمی و منزلت معنوی شیخ نکرده است، این مقام در آن حد بود که در خواب دختر رسول الله حضرت زهرا علیها السلام را دید که دست عزیزان خود امام حسن و امام حسین علیهم السلام را در دست داشته و خطاب به شیخ فرمود: ای شیخ به این دو فقه بیاموز. ساعاتی بعد حیرت مرحوم مفید برطرف شد، چرا که مادر سید مرتضی و سید رضی را دید که دست دو فرزند خود را در دست داشته و به شیخ گفت ای شیخ به این دو فقه یاد بده. و آنگاه که در مسأله‌ای فقهی بین استاد و شاگرد، شیخ مفید و سید رضی و سید مرتضی اختلاف نظر و یا بحث و ارائه دلیل مشکل حل نشد. هر دو راضی به قضاوت امام المومنین علی علیه السلام شدند. مسأله را بر کاغذی نوشته و بالای ضریح مقدس حضرت گذاردند. صبح روز بعد که کاغذ را برداشتند دستخطی مزین به چنین نوشته‌ای دیدند که: (ای شیخ) تو مورد اطمینان من هستی و حق با فرزندم سید مرتضی علم الهدی است.

#### اول. نقش شیخ مفید در علم اخلاق

اشتغالات اجتماعی و دل مشغولی‌های تحصیلی و علمی، شیخ را از فتوحات معنوی غافل نساخته بود. هر روز که می‌گذشت شکوفایی اخلاقی و عطر ملکوتی بر شاخسار وجود این فقیه فرهیخته بیشتر می‌گردید. صدقات بسیار، خشوع و خضوع فراوان، روزه‌ها و نمازهای بی‌شمار و ساده‌پوشی شیخ اثری ژرف در دیدگان دوست و دشمن گذارده بود. هم رنگی او با اقشار کم درآمد و فقیر جامعه و دوری گزیدن از دنیای فانی، موجب آرامش نفس و اطمینان خاطر آن فرزانه والا گوهر شده بود. به طوری که رسیدن به قله تکامل و تهذیب نفس برای او آسان شده و ارجمندی شخصیت شیخ را پدید آورد.

نویسنده: مفید سه شاگرد داشت که مقدر بود به مناصب مهمی در شیعی برسند: شریف رضی، مرتضی و محمد بن حسن طوسی «شیخ الطایفه» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۳۰۷).

نویسنده: «آثار شیخ مفید بیشتر به حوزه کلام محدود می‌شود» (همان) نه تنها علم کلام، بلکه در علوم دیگر مانند اصول فقه، اخلاق اسلامی و علوم قرآنی و غیره جاذبه فوق‌العاده و پشتکار فراوان شیخ مفید موجب جذب بسیاری به حوزه درس وی گردید. این عالم فهیم و بلند همت پای به میدان نبرد علمی فرهنگی گذارد و با استفاده از مبانی علم کلام و اصول فقه، راهی هموار و روشن در بحث و استدلال بر روی شیعیان گشود.

اصول فقه را با سبکی شیوا و دلپذیر فراهم آورد، علم کلام را از غنای بیشتری برخوردار کرد و در اصول دین و عقاید موضوعات خاصی چون اثبات امامت امیر المؤمنین علیه السلام را از قرآن به طور بسیار نفیس تدوین نمود. قلم روان و دلپذیر این شیخ اندیشمند بود که غیبت امام زمان علیه السلام را

توضیح داد و تاریخ زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام را در کتاب‌های گوناگونی چون «الارشاد» و «جمل» به رشته تحریر در آورد.

#### دوم. نقش شیخ مفید در گسترش علوم اسلامی

الف) علم کلام و عقاید: علمی که مبانی عقیدتی همراه با استدلال عقلی در آن مطرح می‌شود و با همین روش به شبهات و پرسش‌های افراد جواب داده می‌شود علم کلام نام دارد.  
ب) علم فقه: دانشی است که از دیر باز بیان وظیفه شرعی و بایدها و نبایدهای عملی و تکلیفی مسلمان‌ها را به عهده داشته است و فقیهان شیعی بسان غواصان معنویت از اعماق اقیانوس معارف اهل بیت علیهم السلام در واژه‌ها و گوهرهای گران سنگی را برای بیان این وظایف به دست می‌آورده‌اند.

ج) اخلاق اسلامی: «امالی» شیخ پیرامون اخلاق اسلامی و فضائل انسان است. صحیفه‌ای زرین که در آنها دعوت به تقوا، صحبت از یقین، بیان اخلاص و محاسبه نفس شده است و محبت الهی و مبارزه با هوا و هوس‌ها مطرح می‌شود.

د) پس از علوم قرآنی، ارزش علم حدیث مطرح است. این علم ارزشمند از احادیث و سخنان معصومین علیهم السلام که جرعه‌هایی از سرچشمه سنت و اشعه‌هایی از آفتاب وحی است بحث می‌کند. اهمیت ولایت، لزوم پیروی از امام و فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام از جمله مباحثی است که در امالی شیخ مفید، پیش روی اندیشمندان قرار می‌گیرد.

#### سوم. نقش شیخ مفید در پیدایش آثار علمی

نویسنده آثار شیخ مفید را در حوزه کلام محدود کرده و از کتاب‌های ایشان فقط «الارشاد» را بیان می‌کند و تا آخر مدخل توضیح و آرایه فهرست‌های الارشاد پرداخته است. در حالی که مؤلفات و مصنفات شیخ مفید تقریباً بالغ بر دویست کتاب و رساله است، بنابر نقل شیخ طوسی، شاگرد برجسته شیخ مفید، وی بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب تألیف نموده است. نجاشی ۱۷۱ جلد کتاب از تالیفات شیخ را ذکر کرده است که اسامی برخی از آنها به این ترتیب است:

در فقه: المقنعه، الفرائض الشرعیه و احکام النساء.

در علوم قرآنی: الکلام فی دلائل القرآن، وجوه اعجاز القرآن، النصره فی فضل القرآن، البیان فی تالیف القرآن او یکی از پرکارترین افراد این رشته بود.

در علم کلام و عقائد: اوائل المقالات، نقض فضیلة المعتزلة، الافصاح، الايضاح، الارکان

(نجاشی، رجال النجاشی، بی تا: ۴۰۰-۴۰۳).

کتاب الارشاد: قدیمی‌ترین متن تاریخی که پس از طبری گزارش‌های حادثه عاشورا را بی‌واسطه از کتاب هشام کلبی نقل کرده است.

تألیفات مفید، هم از نظر مقدار و کمیت دارای اهمیت است و هم از نظر کیفیت. آثار وی، در عین عمق و پرباری و اتقان، مختصر است. از عبارت پردازی و تکرار واژه‌ها و جملات به دور است. معانی بلند و عمیق را در عبارتی کوتاه بیان کرده است، مگر در مواردی که مطلب پیچیدگی خاصی داشته و احتیاج به توضیح و تفسیر داشته است (نگاهی به تألیفات و آثار مهم شیخ مفید، ۱۳۷۱: ش ۵۴).

#### چهارم. نقش شیخ مفید در تربیت شاگردان

نویسنده تعداد شاگردان ایشان را سه نفر ذکر می‌کند که عبارتند از سید مرتضی علم‌الهدی، سید رضی، شیخ طوسی و مثل نجاشی و ابوالفتح کراچی و ابو یعلی جعفر بن سالار را ذکر نکرده است.

نویسنده فقط سال وفات شیخ را ذکر کرده است، وفات شیخ بزرگوار در شب سوم ماه رمضان المبارک سال ۴۱۳ ق اتفاق افتاد، و غبار غم سراسر دل‌های پاک را فرا گرفت، شهر بغداد جامه سیاه به تن کرد، ۸۰ هزار نفر سوگوار، اشک یتیمی ریخته و عاشورایی دیگر در ماه صیام بر پا کردند. پیکر شیخ مفید بردستان انبوه خلائق تشییع شد و همگان به امامت سید مرتضی بر او نماز گزارند. ساعاتی بعد بدن آن فرزانه آسمانی در کاظمین در طرف پایین پا دفن کردند، این مصیبت عظمی باعث شد تا سلسله داغداران و سوگواران این ماتم عظمی قلب عالم وجود و دردانه خلقت حضرت بقیه الله علیه السلام با اشعاری حزن آلود احساس خویش را چنین بیان فرماید:

صدای آنکه خبر مرگ تو را اطلاع داد، به گوش نرسد، که مردن تو روزی است که برآل رسول مصیبت بزرگی است.

اگر در زیر خاک پنهان شده‌ای حقیقت دانش و خدا پرستی در تو اقامت گزیده است. قائم مهدی علیه السلام خوشحال می‌شد هرگاه تو از انواع علوم تدریس می‌کردی.

سید مرتضی که خود سالیانی از پهنه علم و دانش شیخ مفید خوشه چینی کرده بود به شیواترین و زیباتر از همگنان زبان سوگ گشود و قصیده‌ای با این مطلع سرود:

در این دیار چه کسی ساکن شده است، جامه جاودانگی پوشیده و همیشه باقی مانده است

(جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه، گلشن ابرار، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

## ب. آیت الله العظمی خویی

اولیورلیمن در باره زندگی و تلاش علمی آیت الله خویی چنین آورده است، «خویی در ۱۵ رجب ۱۳۱۵ق/ ۱۹ نوامبر ۱۸۹۹م در آذربایجان ایران متولد شد و در ۸ صفر ۱۴۱۳ ق/ ۸ اوت ۱۹۹۲م در خانه خود در کوفه به دلیل نارسایی قلبی درگذشت. آیت الله العظمی (بالاترین درجه روحانی در میان مسلمانان شیعه) ابوالقاسم خویی در شعر و زبان دینی فارسی و عربی و نیز ترکی تسلط داشت. در سال ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م، در سیزده سالگی، برای ادامه تحصیل به نجف در کشور عراق، که نزد شیعیان به نجف اشرف شهرت دارد، عزیمت کرد؛ و این حرکت مهمی هم برای او و هم برای جامعه علمای شیعه بعدی بود.

خویی هفتاد سال در این شهر ماند و این مرکز تحصیلات عالی را، به مرکز برجسته‌ای برای مطالعات شیعی، به خصوص در سطوح عالی‌تر در جهان تبدیل کرد، و در آن میراث شیخ انصاری (۱۸۶۴-۱۷۹۹م) و سنت او در تدریس اصول احکام و دین ادامه داد. موضوع آثار او شامل فقه، تراجم احوال، و تفسیر قرآن است. اما آثار کوچکتر و مردم پسندتر او که در سراسر جهان تشیع پراکنده شده و به مثابه منبع الهام جامعه مورد استفاده قرار دارند، به خصوص دارای اهمیت‌اند. خویی آشکارا مدیری مجرب بود. از سال ۱۹۷۰م، که به جانشینی آیت الله العظمی سید محسن طباطبایی حکیم برگزیده شد، ریاست حوزه علمیه نجف اشرف بر عهده او بود. خویی عنوان آیت الله را در اوایل دهه سی سالگی دریافت. حوزه نجف اشرف در ده قرن گذشته، شاگردانی از همه جهان را به خود جذب نموده است. موضوعات اصلی که در این حوزه مهم تدریس می‌شود، شامل فلسفه، کلام و فقه است؛ تعداد دانشجوی و استاد به چند هزار نفر رسیده است. این حوزه به خاطر کتابخانه‌ها و به دلیل تمرکز علما در شهر، معروف است. اما متأسفانه در زمان حکومت بعثی و نیز در خلال جنگ‌ها و تهاجم‌های مختلف به عراق، بخشی از این آثار به یغما رفته است.

خویی به دستور صدام حسین به زندان افتاد، البته مدت حبس او کوتاه بود؛ اما ده سال آخر حیات خود را در خانه تحت نظر گذراند. پس از درگذشت خویی، دولت عراق کوشید از ابراز حزن مردم در سطح وسیع ممانعت نماید و بدین منظور شهرهای نجف و کوفه را به محاصره در آورد؛ اما نماز بر او به امامت آیت الله سیستانی اقامه گردید و اندوه عمیق مردم از فوت او آشکار بود. نهادهایی که خویی هم در نجف و هم در خارج تاسیس نمود، همچنان پیگیری اهداف آموزشی و نیکو کارانه او را ادامه می‌دهند و آثار او همچنان به عنوان آثار کلاسیک تشیع مدرن باقی مانده است» (لیمن، دانشنامه قرآن، ۱۳۹۳: ۲۲۹-۲۳۰).



## بررسی و تحلیل

الیورلیمن تاریخ ولادت ایشان را ۱۵ رجب ۱۳۱۵ق بیان می‌کند، در حالی که تاریخ ولادت این عالم بزرگ شیعه ۱۵ رجب المرجب ۱۳۱۷ق است (انصاری، قمی، نجوم امت - حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی، ۱۳۷۱: ۵۴).

در این مدخل اشاره‌ای به خانواده ایشان نشده، در حالی که ایشان در یک خانواده علمی رشد و پرورش یافته است پدر وی آیت الله حاج سید علی اکبر خویی، از علمای بزرگ و نامی شهرستان خوی بوده است (پیری سبزواری، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی؛ قرآن‌شناس بزرگ معاصر، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۲).

نویسنده ورود ایشان را در سن سیزده سالگی در شهر نجف برای تحصیلات را ذکر کرده و پس از آن می‌گوید که ایشان به مدت ۷۰ سال در این شهر زندگی کردند؛ اما از تحصیلات، اساتید، شاگردان، روش تدریس، و به آثار ایشان اشاره‌ای نکرده است.

### اول. اساتید آیت الله خویی

آیت الله خویی درباره استادان بزرگوار خود در فقه و اصول چنین می‌گوید: «من درس خارج را در محضر تعدادی از استادان بزرگ آن زمان آموختم، ولی در میان آنان از پنج نفر نام می‌برم که خداوند روح آن‌ها را قرین رحمت فرماید: آیت الله شیخ فتح الله معروف به شیخ الشریعة، آیت الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی، آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی و بالاخره آیت الله شیخ محمد حسین نائینی». ایشان در ادامه می‌فرمایند: «من از دو استاد اخیر بیشتر بهره بردم و یک دوره کامل از اصول را نزد آنان فراگرفتم. مرحوم نائینی آخرین استاد بزرگوار من بود که تا آخر عمر ملازم محضر گهربار او بودم» (www.afghanistan.shafaqna.com/proposal/item/8117).

### دوم. نقش آیت الله خویی در تدریس علوم اسلامی

سید ابوالقاسم خویی در خلال تحصیل در حوزه علمیه نجف، به تدریس هم مشغول بوده و به گزارش منابع مختلف، هر کتابی را که می‌آموخته، آن را تدریس می‌کرده است (انصاری قمی، نجوم امت - حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی، ۱۳۷۱: ۵۹).

پس از درگذشت محمدحسین نائینی و محمدحسین غروی اصفهانی، مجلس درس سید ابوالقاسم خویی و میرزا محمدعلی کاظمی خراسانی، از درس‌های مهم نجف گزارش شده و بر این اساس، پس از درگذشت آخوند خراسانی، مجلس درس آیت الله خویی، برترین و پرجمعیت‌ترین حوزه درسی نجف معرفی شده است (همان، ۶۱).

چنانکه خوبی در زندگی نامه خود آورده، در خلال سال های طولانی تدریس، جز در روزهای بیماری و سفر، هیچ گاه دست از تعلیم شاگردان خویش نکشیده است (همان، ۶۲). او در مجموع هفتاد سال به تدریس دروس سطح و خارج در حوزه نجف پرداخته و بر اساس منابع، نزدیک پنجاه سال، مهمترین مجلس درسی حوزه علمیه نجف را عهده دار بوده و طلابی از ایران، هند، افغانستان، پاکستان، عراق، لبنان و برخی کشورهای دیگر، در درس او حاضر می شده اند (همان، ۶۵). آیت الله خوبی، یک دوره کامل درس خارج فقه و شش دوره درس خارج اصول فقه را به شاگردان خود تعلیم داد. او همچنین در یک دوره کوتاه به تدریس تفسیر قرآن پرداخت؛ اما به دلایلی از ادامه آن بازماند (همان، ۶۲).

#### سوم. نقش آیت الله خوبی در گسترش آثار اسلامی

شاید یکی از موفق ترین مراجع عصر اخیر، از نظر تألیف و تصنیف و تقریر، آیت الله خوبی باشد؛ زیرا علاوه بر کتاب های گران مایه و پرمحتوایی که خود ایشان به رشته تحریر درآورد، به همان مقدار و بلکه بیش تر، فارغ التحصیلان مکتب فقهی و اصولی و تفسیری ایشان کتاب هایی نگاشته اند و نشر داده اند.

#### ۱. نفحات الاعجاز

نام کتاب «نفحات الاعجاز فی رد الکتب المسمی حسن الایجاز»، این کتاب پیرامون برخی از شبهات در مورد مساله اعجاز قرآن کریم نوشته شده است.

#### ۲. البیان فی تفسیر القرآن

کتابی مهم در تفسیر و علوم قرآنی وی است. این کتاب شامل برخی از مباحث علوم قرآنی از جمله اعجاز، تحریف، نسخ و نیز تفسیر سوره حمد است. به رغم خواسته و هدف مؤلف در ارائه تفسیر سوره های دیگر قرآن، البیان فقط شامل تفسیر سوره حمد است. این مجموعه حاصل درس های وی در حوزه علمیه نجف است (خوبی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۰۳: ۱۹/۲۲). در تعلیقات این اثر، از حدیث ثقلین، ترجمه قرآن، جبر و اختیار، شفاعت و مانند آن بحث شده است (خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۴۹۹-۵۲۸. و پیرچراغ، «آیت الله خوئی و البیان»، ۱۳۹۰: ۷۶).

آیت الله خوبی در بحث های مقدماتی و نیز در تفسیر سوره حمد، آشکارا از بحث های کلامی استادش، علامه بلاغی، در آلاء الرحمن اثر پذیرفته است.

تأثیر این کتاب در حوزه علوم قرآنی، به ویژه در بحث تحریف ناپذیری قرآن کریم، بسیار بارز است، تا جایی که برخی آثار، نوعی ملخص یا مبسوط البیان به شمار می روند. توجه عالمان و قرآن پژوهان اهل سنت نیز نشانه دیگری از گستره حضور این اثر است.

### ۳. معجم رجال الحديث

این کتاب یکی از کم نظیرترین کتاب‌های رجالی شیعه است که در بردارنده شرح حال ۱۵۷۰۶ نفر از راویان حدیث است. این کتاب برای پنجاهمین بار در سال ۱۴۱۳ ق در (۲۴جلد) منتشر شده است.

### ۴. اجود التقریرات

این کتاب تقریرات درس اصول میرزای نائینی است که آیت الله خویی آن را در ۳۱ سالگی نوشته و در چهار جلد به چاپ رسیده است.

### ۵. مبانی تکمله منهاج الصالحین

تکمله المنهاج نظریات و فتاوی مرحوم آیت الله العظمی سید ابو القاسم خویی است که در ضمن تحشیه و تکمیل «منهاج الصالحین» آیت الله سید محسن حکیم بیان شده است. از دیگر آثار وی می توان به موارد زیر اشاره کرد: تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین، تعلیقه المنهج لاحکام الحج، فقه القرآن علی المذاهب الخمس، تقریرات درس فقه میرزای نائینی، تقریرات درس فقه محقق اصفهانی، حاشیه بر وسیلة النجاة، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، تقریرات درس اصول محقق اصفهانی (خویی)، معجم رجال الحديث، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۴ و یادنامه آیت الله خویی، ۷۸)، تقریرات و شروح فقه و اصول مصباح الفقاهه (تقریرات فقه میرزا محمد علی توحیدی)، مبانی منهاج الصالحین (شرح منهاج الصالحین ابوالقاسم خویی به قلم سید تقی طباطبایی قمی)، المستند فی شرح العروه (تقریرات فقه شیخ مرتضی بروجردی)، المعتمد فی شرح العروه (تقریرات فقه محمدرضا خلخالی)، التنقیح فی شرح العروه (تقریرات فقه میرزا علی غروی)، مبانی فی شرح العروه (تقریرات فقه سید محمدتقی خویی)، الواضح فی شرح العروه (تقریرات فقه محمد جواهری)، التنقیح علی شرح المكاسب (تقریرات فقه میرزا علی غروی)، فقه الشیعه (تقریرات فقه محمد مهدی خلخالی)، محاضرات فی الاصول (تقریرات اسحاق فیاض)، مصباح الاصول (تقریرات اصول محمد الواعظ البهسودی)، هداية فی الاصول (تقریرات اصول سید حسن صافی)، غایة المأمول (تقریرات اصول محمد تقی جواهری)، مصابیح الاصول (تقریرات اصول سید علاء الدین بحر العلوم)، جواهر الاصول (تقریرات متفرقات اصول فخرالدین زنجانی) و درس خارج اصول فقه (تقریرات اصول ابوالقاسم گرگی).

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، درباره شخصیت علمی و معنوی آیت الله خویی می فرمایند: «ما به ایشان نه از دید یک مرجع، بلکه از دید یک محقق، مؤلف و مدرس نگاه می کنیم. اگر شما به زندگی این بزرگوار نگاه کنید، می بینید که حداقل در سه رشته علمی و

درسی مهم دارای فرآورده‌های تحقیقی هستند که یکی فقه، دیگری اصول و سومی رجال است. این همه کتاب فقهی و اصولی که شاگردان ایشان نوشته‌اند، همه از کلمات ایشان است، علاوه بر آن چه از قلم خود ایشان مستقیماً صادر شده است» (-www.farsi.khamenei.ir/other-special?id=21781).

#### چهارم. آرا و نظریات علمی آیت الله خویی

آیت الله سید ابوالقاسم خویی، در فقه و اصول فقه، نظرات و آرای قابل توجهی داشته که گاه با نظرات مشهور فقیهان شیعه متفاوت بوده و به گزارش برخی، ۳۰۰ فتوا برخلاف فتواهای مشهور فقیهان شیعه، در میان فتاوی آیت الله خویی دیده می‌شود. برخی از این موارد عبارت است از:

۱. مخالفت با مکلف بودن کافران به فروع دین: آیت الله خویی مانند شیخ یوسف بحرانی و بر خلاف نظر همه علمای شیعه که معتقدند کافران علاوه بر اصول دین، مکلف به فروع دین هم شده‌اند (فیاض، نوآوری های اصولی و فقهی آیت الله خویی، ۱۳۷۷: ۳۳۶ و ۳۳۷)، بر این باور است که کافران تا زمانی که اسلام را نپذیرند، مکلف به فروع دین نمی‌شوند (همان).

۲. عدم پذیرش نسبی بودن آغاز ماه قمری: به باور آیت الله خویی، بر خلاف نظر مشهور، آغاز ماه قمری برای همه یکسان است و نمی‌توان آن را چیزی نسبی دانست. چرا که معیار آغاز ماه قمری، بر اساس آرای خویی، بیرون رفتن ماه از محاق است که پدیده‌ای تکوینی است و به وضع قرارگیری خورشید، ماه و زمین مرتبط است و وابسته به اجزا و مناطق گوناگون زمین نیست (همان).

۳. مخالفت با شهرت فتوایی و اجماع: سید ابوالقاسم خویی، درباره شهرت فتوایی، نظراتی به کلی متفاوت با نظرات مشهور عالمان شیعه داشته است. به باور بیشتر اصولیان شیعه، اگر یک فتوا در میان فقیهان، مشهور باشد، روایت معتبری که با آن ناسازگار است، اعتباری ندارد؛ اما خویی با این اصل مخالف بوده و «شهرت فتوایی» را در ترجیحات باب تعارض در اصول فقه ذکر نکرده و به باور او، شهرت عملی ضعف سند روایت را جبران نمی‌کند؛ همانطور که بی‌توجهی فقها به یک حدیث صحیح، آن را از حجیت ساقط نخواهد کرد (همان، ۳۲۵ و ۳۲۶: رییس‌زاده، «خویی، ابوالقاسم»، ۱۳۷۵: ۵۱۸).

۴. وی اعتبار و حجیت اجماع را هم زیر سوال برده است؛ چه اجماع منقول و چه اجماع محصل. با این حال خویی در فتاوی خود احتیاط کرده و به اجماع توجه کرده است (همان، ۵۱۸).

### پنجم. اجتهاد آیت الله خویی

البور لیمن می نویسد: «آیت الله العظمی (بالاترین درجه روحانی در میان مسلمانان شیعه) ابو القاسم خویی در شعر و زبان دینی فارسی و عربی و نیز ترکی تسلط داشت» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۲۳۹).

سید ابوالقاسم خویی، علاوه بر آنکه به گفته خود، از میرزا محمدحسین نائینی و میرزا محمدحسین اصفهانی بیشترین استفاده علمی را برده و دوره ای کامل از علم اصول و برخی کتابهای فقهی را از آنان آموخته، از اساتید دیگری از جمله شیخ الشریعه (م ۱۳۳۸ق)، شیخ مهدی مازندرانی (م ۱۳۴۲ق) و آقا ضیاء عراقی (یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خویی، ۵۸ و ۵۹) نیز یاد کرده است.

برخی دیگر از استادان آیت الله خویی عبارتند از شیخ محمدجواد بلاغی در علم کلام، عقاید و تفسیر، سید ابوتراب خوانساری در علم رجال و درایه، سید ابوالقاسم خوانساری در علم ریاضیات، سید حسین بادکوبه‌ای در فلسفه و عرفان و همچنین سید علی قاضی در علم اخلاق (همان).

سید ابوالقاسم خویی در طول دوران تحصیل خود در حوزه علمیه نجف، با سید محمدهادی میلانی (م ۱۳۹۵ق)، سید محمدحسین طباطبایی (م ۱۴۰۲ق)، سید صدرالدین جزایری، علی محمد بروجردی (م ۱۳۹۵ق)، سید حسین خادمی و سید محمد حسینی همدانی مباحثه می کرده است (انصاری قمی، نجوم امت - حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی، ۱۳۷۱: ۵۸).

خویی در سال ۱۳۵۲ق از بسیاری از بزرگان حوزه علمیه نجف اجازه اجتهاد دریافت کرده است؛ محمدحسین نائینی، محمدحسین غروی اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، محمدحسین بلاغی، میرزا علی آقا شیرازی، و سید ابوالحسن اصفهانی از این جمله اند (یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خویی، ۶۴ و ۶۵).

### ششم. مرجعیت آیت الله خویی

آغاز مرجعیت آیت الله خویی به روشنی مشخص نیست؛ اما بسیاری از منابع، آغاز جدی مرجعیت ایشان را پس از درگذشت آیت الله بروجردی دانسته و تاکید کرده اند که پس از درگذشت آیت الله حکیم، خویی مخصوصاً در عراق، مرجع برتر شناخته می شد (شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ۱۳۵۴: ۲/۳-۵؛ رئیس زاده، «خویی، ابوالقاسم»، ۱۳۷۵: ۵۱۵) و جایگاه مرجعیت ایشان در میان شیعیان ایران هم مهم گزارش شده است (جعفریان، تشیع در عراق،

مرجعیت و ایران، ۱۳۸۶: ۱۰۸). آیت الله خویی، از جمله مراجعی دانسته شده که در میان اکثر شیعیان، اعم از عرب و غیرعرب، نفوذ چشمگیری داشته است (همان، ۵۱).

آیت الله خویی و شاگردانش: به ترتیب: حجت الاسلام و المسلمین سید جعفر خوئی، امام موسی صدر، آیت الله سید عبدالله شیرازی، آیت الله سید نصرالله مستنبط و حجت الاسلام و المسلمین سید مرتضی حکمی.

چهارده نفر از مجتهدین نجف از جمله صدرا بادکوبه ای، سید محمدباقر صدر، سید محمد روحانی، مجتبی لنگرانی، شیخ موسی زنجانی، یوسف کربلایی، سید یوسف حکیم، و سید جعفر مرعشی اعلیت خویی را اعلام کردند (خاطرات آیت الله عباس خاتم یزدی، ۱۳۸۰: ۱۰۰ — ۹۸). امام موسی صدر از سوی مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان، خویی را مرجع اعلم معرفی کرد (ضاهر، مسیره الإمام السید موسی الصدر، ۲۰۰۰: ۲ / ۲۹۴-۲۹۳).

#### هفتم. نقش آیت الله خویی در مبارزات سیاسی

نویسنده احوال سیاسی ایشان را به چند جمله بیان می کند: «خویی به دستور صدام حسین به زندان افتاد، البته مدت حبس او کوتاه بود؛ اما ده سال آخر حیات خود را در خانه تحت نظر گذراند. پس از درگذشت خویی، دولت عراق کوشید از ابراز حزن مردم در سطح وسیع ممانعت نماید و بدین منظور شهرهای نجف و کوفه را به محاصره در آورد» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۲۲۹).

سید ابوالقاسم خویی، اقدامات اجتماعی و سیاسی فراوانی داشته؛ تا پیش از مرجعیت، بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های فراوانی در محکومیت اقدامات حکومت پهلوی صادر کرده، و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در بهمن ۱۳۵۷ش، به حمایت از امام خمینی و انقلاب اسلامی پرداخته است. سرانجام حمایت خویی از انتفاضه شعبانیه شیعیان عراق، به حصر خانگی او انجامید (رئیس زاده، خویی، ابوالقاسم، ۱۳۷۵: ۵۱۶).

ستمگر خواندن دستگاه حاکم ایران پس از کشتار مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ش، حکم به ممنوعیت شرکت در انتخابات دوره ۲۱ مجلس و از اعتبار ساقط دانستن آن، حمایت از امام خمینی در پی دستگیری و شایعه محاکمه امام، برخی دیگر از واکنش‌های سیاسی اوست (همان).

#### هشتم. وفات آیت الله خویی

نویسنده: «خویی در ۱۵ رجب ۱۳۱۵ ق / ۱۹ نوامبر ۱۸۹۹م در آذربایجان ایران متولد شد و در ۸ صفر ۱۴۱۳ ق / ۸ اوت ۱۹۹۲م در خانه خود در کوفه به دلیل نارسایی قلبی درگذشت» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۳: ۲۲۹).

نزد نویسنده ایشان پس از ۹۸ سال زندگی از دنیا رفتند که یک محاسبه اشتباهی است، چون آیت الله خویی، این مرد فرزانه، پس از ۹۴ سال زندگی پربار با برجا نهادن خدمات بزرگ دینی و ده ها اثر جاویدان، با تحمل فشارها و دردها، در هشتم صفر ۱۴۱۳ ق، به دیدار معبود شتافت. او که هم چون جدش موسی بن جعفر علیه السلام به طاغوت زمان گرفتار شده بود، پس از وفات همانند مادر مظلومه اش فاطمه زهرا علیها السلام، غریبانه به خاک سپرده شد. رژیم بعث عراق، حتی در نجف اشرف هم اجازه تشییع جنازه نداد و آن مرجع بزرگ، در نیمه های شب و با حضور مأموران امنیتی رژیم بعث و تعداد بسیار اندکی از شاگردان و خانواده اش، پس از اقامه نماز توسط آیت الله سید علی سیستانی، غریبانه و مظلومانه، در صحن شریف مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد خضراء که جایگاه درسش بود، به خاک سپرده شد (پیری سبزواری، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی؛ قرآن شناس بزرگ معاصر، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۲).

### نتیجه

کتاب «قرآن: یک دایرة المعارف» اگر چه از آن دید که تلاشی جدید برای ارائه مفاهیم قرآنی به مخاطب ناآشنا با کتاب و حیانی مسلمانان است، تقدیر کردنی است؛ اما با وجود نقاط مثبت، به خاطر غیرحرفه ای بودن ویراستار و برخی نویسندگان در عرصه قرآن و تفسیر، استفاده نکردن از قرآن پژوهان بزرگ جهان اسلام دچار اشکالها و کاستی هایی شده که بررسی و نقد مطالب و مقاله های آن را امری گریزناپذیر می سازد. دایرة المعارف الیور لیمن تنها دو عالمان شیعه را در مدخل های خود جا داده است و علت انتخاب این دو شخصیت ها را روشن نکرده است. این نوشتار درباره شخصیت های شیعه دایرة المعارف الیور لیمن پرداخته و همچنین نقش این بزرگواران در گسترش علوم اسلامی را مورد بررسی قرار داده است و بالخصوص زندگی علمی ایشان را بیان کرده است.

## منابع

۱. انصاری قمی، ناصرالدین، نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی خویی، در مجله نور علم، دوره ۴، ش ۱۱، مهر و آبان ۱۳۷۱ ش.
۲. پیرچراغ، محمدرضا، «آیت الله خوئی و البیان»، در فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش ۲۴، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۳. پیری سبزواری، حسین، «آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی؛ قرآن شناس بزرگ معاصر»، در ماهنامه گلستان قرآن، ش ۱۲۶، آبان ۱۳۸۱ ش.
۴. جعفریان، رسول، تشیع در عراق: مرجعیت و ایران، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۶ ش.
۵. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، خلاصه ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (ع) سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۶. خاطرات آیت الله سید عباس خاتم یزدی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۷. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م.
۸. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، بیروت: ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، چاپ افست قم، بی تا.
۹. رئیس زاده، محمد، «خویی، ابوالقاسم»، در دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲-۱۳۵۴ ش.
۱۱. ضاهر، یعقوب، مسیره الإمام السید موسی الصدر، بیروت، دار بالل، ۲۰۰۰ م.
۱۲. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، فقهای نامدار شیعه، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی ۱۳۷۲ ش.
۱۳. فیاض، محمد اسحاق، نوآوری‌های اصولی و فقهی آیت الله خویی، در مجله کاوشی نو در فقه، ش ۱۷ و ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ ش.
۱۴. لیمن، الیور، دانشنامه قرآن کریم، (مترجم: محمد حسین وقار)، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۳ ش، چاپ دوم.



۱۵. مؤسسه خیریه آیت الله العظمی خوئی، ۱۳۷۱ش.
۱۶. نجاشی، ابو العباس احمد بن علی، رجال نجاشی، مؤسسه نشر الاسلامی، بی تا.
۱۷. نگاهی به تألیفات و آثار مهم شیخ مفید، حوزه بهمن و اسفند ۱۳۷۱، شماره ۵۴.
۱۸. یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی ۱.

19. [www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir)

20. [www.afghanistan.shafaqna.com](http://www.afghanistan.shafaqna.com)

21. [www.article.tebyan.net](http://www.article.tebyan.net)